

شرح حال

پرویشکاد علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

بخش رجال

مقدمه

آنچه در پی می‌آید، يك ترسیم فشرده و دورنمای کلی از «بخش رجال بنیاد تاریخ انقلاب اسلامی ایران» و بیان اهداف آن، به‌علاوه ارائه چارچوب نظری پژوهشهای آن، از طریق بازگوئی پاره‌ای از معیارها، شیوه‌ها و مراحل کار در این بخش می‌باشد.

در نخستین قسمت، «بخش رجال» معرفی شده و به اهداف و برنامه‌های آن اشارت رفته است. در بخش دیگر به تعریف «مفهوم رجل» و تجدید معنای «رجال» در تاریخ، و ویژگیهای آن پرداخته‌ایم و تقسیمات و درجات مصادیق این مفهوم را، آن‌گونه که مورد قبول این بخش است، نشان داده‌ایم. در سومین قسمت، از چگونگی کار پژوهشی و شیوه‌ها و مراحل آن در این بخش، گفتگو شده است. در فصل چهارم نیز چکیده‌ای از فعالیتهای علمی بخش رجال تا این تاریخ گزارش شده است.

بنابراین، هدف از این نوشتار، آشنائی اجمالی با بخش رجال و ارائه راهنما و چارچوب مورد نظر آن، در پژوهشهای خویش می‌باشد و امیدواریم که در این حد، پاسخگوی برخی از پرسشها و برطرف‌کننده پاره‌ای از ابهامات موجود باشد.

فصل اول: بخش رجال و اهداف آن

یکی از بخشهای «بنیاد تاریخ انقلاب اسلامی ایران»، «بخش رجال» است. این بخش عهده‌دار شناسائی و تدوین قواعد و ضوابط ثابت برای بازشناسی علمی رجال و نقد آنان در چارچوب این اصول و ضوابط، و نیز تحقیق درباره رجال معاصر (شخصیتهای مهم سده اخیر) و شناسائی و شناساندن آنان بر پایه معیارها و ضوابط به‌دست آمده می‌باشد*.

* اعم از ایرانی و غیر ایرانی و مسلمان و غیر مسلمان، (بشرط اینکه به‌نحوی از انحاء در اوضاع ایران نقش داشته باشند).

اهداف و برنامه‌های بخش رجال، به تفکیک عبارتند از:

۱- تهیه پرونده علمی دربارهٔ هر یک از رجال و شخصیت‌های مثبت و منفی یکصد سال اخیر ایران و مشاهیر عمدهٔ جهان اسلام که به عنوان منبعی قابل اعتماد برای نگارش تاریخ معاصر، توسط بنیاد به کار گرفته شود، و نیز مورد مراجعه و استفادهٔ سایر محققین در این زمینه باشد.

۲- تدوین یک مجموعهٔ معجمی دربارهٔ زندگینامه رجال معاصر ایران، به نام «فرهنگ رجال معاصر».

۳- پژوهش در زمینه‌های مربوط به مسائل نظری رجال‌شناسی و زندگینامه‌نویسی، و تدوین اصول و ضوابط ویژه‌ای برای جرح و تعدیل رجال و نوشتن زندگینامهٔ آنان.

چگونگی تعقیب این اهداف و اجرای این برنامه‌ها در بعد نظری و بعد عملی (شیوهٔ اجرایی)، در همین نوشته بیان شده است.

فصل دوم: تعریف رجال، ویژگیها و اقسام آن

ضرورت و اهمیت شناسائی رجال و چهره‌های برجستهٔ تاریخ، به دلیل نقش و تأثیر ویژه‌ای است که آنان در تکوین حوادث داشته‌اند از این رو در تبیین و تحلیل حوادث، چاره‌ای جز پی‌جویی و کشف تأثیرات آنان نیست.

نکتهٔ یاد شده یک واقعیت غیر قابل انکار بوده و روشنتر از آنست که نیاز به اثبات داشته باشد. به ویژه اهمیت شناخت رجال و خصوصاً رجال معاصر، اکنون، بیش از پیش بر دست اندرکاران بحث‌های تاریخی پدیدار گردیده است؛ تا آنجا که برای آن حساب معین و جداگانه‌ای گشوده و در پی کشف اسلوب‌ها و قواعد و قوانین جامعی در این باره می‌باشند. با این همه، برای روشنتر شدن زمینه بحث قبل از پرداختن به تعریف رجال، توضیح مختصری تقدیم می‌گردد:

بی‌تردید قوانین و سنت‌های تاریخی در چسبندگی شکل‌گیری حوادث بر هر چیز دیگری تقدم دارند، چنانکه نقش عمده و اصلی در تکوین حوادث تاریخ به عهدهٔ تمامی مردم و همهٔ گروه‌های انسانی است و نه افراد ویژه. مردم و توده‌ها، در چارچوب قوانین و سنن الهی، همواره در کار ساختن حوادث تاریخند و هیچکس جدای از انسانها در تاریخ نمودی نداشته است. اما هر گروه انسانی، اگر چه کوچک، ناگزیر از داشتن یک یا چند سرجنبان و سردمدار است؛ چنانکه هیچ حادثهٔ اجتماعی مهم و برجسته‌ای در جامعهٔ انسانی اتفاق نمی‌افتد مگر آنکه در آن چهرهٔ یک یا چند نفر به گونه‌ای ممتاز دیده می‌شود.

بنابراین، سازندگان تاریخ، دو دسته‌اند: یک دسته به صورت افراد و آحاد

مطرحند، و دسته دیگر به طور انبوه یا دست کم به صورت جماعت. به عبارت دیگر نقش و تأثیر افراد و آحاد به تنهایی، در حوادث اجتماعی یا آنقدر کوچک و ناچیز است که قابل رؤیت و شایان ذکر نیست و یا آنقدر برجسته و مهم است که شایسته توجه و اعتناست.

آن دسته که به طور منفرد، دارای نقشی برجسته نیستند و بیشتر به صورت گروهی مطرحند و به اصطلاح، عامه، یا سیاهی لشکر به شمار می آیند، همان مردم عادی یا عوامند، که اکثریت را تشکیل می دهند. و در مقابل آنها که نقشی فراتر از يك فرد عادی به عهده دارند و به تنهایی نیز قابل ذکرند، خواص یا «رجال»^{*} نام دارند و نسبت به کل جامعه همواره در اقلیت می باشند.

بی جهت نیست که در تاریخ و فرهنگ همه ملتها، از دیرینه ترین ایام تا کنون، به هزاران هزار زندگینامه و کتاب و مقاله و نشانه های بزرگداشت و یادبود، از مشاهیر و شخصیتها برخورد می کنیم که هر يك، به نوبه خود در يك یا چند زمینه، دارای برجستگی و امتیاز بوده اند.

در این باره، سخن بسیار توان گفت و گفته اند و لاکن در این مقال کوتاه مجال بیشتر نیست، فقط یادآوری می کنیم که واقعیت فوق چنان است که جمعی در اثر اعجاب و شگفت زدگی در مقابل آن، به افراط گراییده و همچون کارلایل انگلیسی، معتقد به نظریه «قهرمانگرایی» و اصالت شخصیت در تاریخ شده اند. تا جایی که اساساً تاریخ را چیزی جز سرگذشت بزرگان و نجبان، نمی دانند!

بنابراین، با اینکه بر نقش عظیم توده ها در ایجاد تحولات تاریخی تأکید می کنیم، و با اینکه قهرمان گرا نیستیم، نقش مهم و تأثیر دورانساز بسیاری از بزرگان تاریخ را هم نمی توانیم نادیده گرفته و انکار کنیم و چنانکه گفتیم این دو نقش متفاوت بدین وسیله تمیز داده می شوند که یکی به تنهایی قابل ذکر است و دیگری به صورت جمعی. درست همچون يك فیلم داستانی که در آن، معمولاً يك یا چند نفر به عنوان «قهرمان» و «چهره» و «بازیگر اصلی» هستند و بقیه در پیرامون آنها و به صورت جمعی ایفای نقش می کنند!

در پرتو آنچه گفته شد، اکنون می توان به تعریف معنای «رجال»، در اصطلاح تاریخی آن پرداخت و آن معنای اصطلاحی چنین است:

«رجال کسی است (اهم از مرد و زن) که در زمانی معین، نقش و تأثیری فراتر از يك فرد عادی در تحولات جامعه به عهده داشته و به همین دلیل، در آن دوره

* «رجال» در اصطلاح ما به معنای «شخصیتها» و یا «افراد برجسته» می باشد و شامل مردان و زنان برجسته هر دو می شود و اختصاصی به «مردان» ندارد.

یا بعد، طرف توجه قرار گرفته و قابل ذکر شمرده می‌شود. با توجه به تعریف فوق می‌توان برخی از نشانه‌ها و ویژگیهای «رجال» را این‌گونه برشمرد:

- ۱- چهره خبرساز و حادثه‌آفرین داشتن؛
- ۲- رهبر و مورد پیروی دیگران بودن در حوادث تاریخی؛
- ۳- نابغه، قهرمان و فوق‌العاده بودن؛
- ۴- داشتن نفوذ و تأثیر اجتماعی، فرهنگی، علمی، اقتصادی، سیاسی و نظامی در محیط خود؛

۵- مشهور، صاحب نام و بلندآوازه بودن؛

۶- گرداننده و بازیگر اصلی صحنه‌های تاریخی بودن؛

نتیجه اینکه، شخص دارنده هر نوع قدرت، فوق‌العادگی و برجستگی که در روند حوادث و نسبت به آحاد جامعه مؤثر باشد، می‌تواند یکی از رجال شمرده شود. بدیهی است همان‌طوری که اشاره شد، تعریف گذشته در مورد زن و مرد یکسان است و اطلاق لفظ «رجل» یا جمع آن «رجال» صرفاً اصطلاح است و از باب غلبه اکثریت می‌باشد. به‌ویژه در تاریخ معاصر، نقش برجسته بسیاری از زنان، قابل انکار نیست. دیگر اینکه، تعریف مذکور در بردارنده حداقل معیار رجل بودن است، به‌طوری که کمتر از آن، خارج از دایره رجال خواهد بود.

الف. اصنافی رجل:

رجال تاریخ را می‌توان با معیارهای گوناگون مورد دسته‌بندی قرار داد که در اینجا با توجه به شماری از این معیارها دسته‌بندی‌هایی از رجال را ارائه می‌دهیم. رجال، براساس مشاغل و گرایش عمده صنفی و حرفه‌ای آنان، به انواع زیر تقسیم می‌شوند:

- ۱- رجال سیاسی و حکومتی
- ۲- رجال لشکری و نظامی
- ۳- رجال فرهنگی - اجتماعی
- ۴- رجال مذهبی
- ۵- رجال اقتصادی

البته، هر یک از اصناف بالا در نوع خود، می‌توانند تقسیمات جزئی‌تری نیز داشته باشند، همچنانکه اصل مفهوم «رجال» نیز همچون بسیاری از مفاهیم دیگر می‌تواند، تقسیمات اصلی و فرعی متعددی داشته باشد. ولی در اینجا آن ملاکها و تقسیماتی مورد نظر است که ارتباط بیشتری با تحقیقات رجال‌شناسی و زندگی‌نامه‌نویسی آنان دارد. و اینک توضیح مختصر هر یک از انواع فوق:

۱- رجال سیاسی و حکومتی: از شاهان، رؤسای جمهور و نخست‌وزیران گرفته تا فرمانداران و شهرداران مهم، همچنین رهبران سیاسی موافق و مخالف دولتها و انقلابها، مؤسسين و رهبران احزاب و گروهها و... به‌طور خلاصه: کلیه فعالان، مسئولان و مقامات سیاسی و اجرایی، از حدود مدیرکل به بالا، اعم از کشوری، رسمی، یا غیر رسمی.

۲- رجال لشکری و نظامی (در مقابل رجال کشوری): از فرماندهان کل قوا گرفته تا رؤسای نیروهای سه‌گانه و معاونین و مسئولین واحدهای حساس، تا کودتاگران همده.

به‌طور خلاصه: فرماندهان و کلیه امرا یا مشابه غیر رسمی آنان.

۳- رجال فرهنگی - اجتماعی: اساتید و متخصصان علمی و فرهنگی به معنای اعم، محققان و مخترعان، مؤسسين مطبوعات، هنرمندان، نویسندگان و مؤلفان، مترجمان شخصیت‌های خیر و محبوب اجتماعی، پهلوانان و قهرمانان ورزشی، لوطیان و راهزنان بزرگ و... خلاصه: کلیه صاحبان آثار فکری و هنری مؤثر و نیز دارندگان هر فن و ویژگی اجتماعی مثبت و منفی که مورد توجه باشند.

۴- رجال مذهبی: هرچند در بینش اسلامی، دین و مذهب از سایر زمینه‌های سیاسی و اجتماعی جدا نیست، اما در اینجا برای سهولت کار، آنها که اشتغال اصلی‌شان مربوط به مسائل دینی است یا به این عنوان شناخته شده‌اند، مورد نظر هستند؛ همچون سران و مقامات رده بالای ادیان و فرقه‌ها، از مراجع گرفته تا واعظ و ائمه جمعه و روحانیون بانفوذ محلات و مناطق مهم و گرداندگان اصلی محافل مهم مذهبی و به‌طور خلاصه: صاحبان پیرو و دارندگان موقعیت و نفوذ در قلمرو دینی و مذهبی.

۵- رجال اقتصادی و مالی: رؤسای بخش خصوصی و شرکتهای مهم تولیدی و تجاری، تجار، بازاریان همده، صاحبان صنایع و سهامداران بزرگ و ملاکین و فنودلهای نامی و ثروتمندان بزرگ و مشهور. خلاصه: آنان که قدرتهای مالی جامعه را در دست داشته و در جریان امور اقتصادی تأییری چشمگیر بسر جای گذاشته‌اند.

ب. تقسیم رجال معاصر به لحاظ دوره‌های تاریخی:

شناخت و تحلیل رجال دوره‌های مختلف و محیط‌های گوناگون، هر یک حکم جداگانه‌ای دارد و از آنجا که بخش رجال، فعلاً مشغول پژوهش و شناسایی دربارهٔ رجال یکصد سال اخیر است، تقسیمات دوره‌ای آن نیز در همین محدوده قرار می‌گیرد. در ضمن کلیه رجال غیر ایرانی اجنبی یا وابسته به جهان اسلام که به

گونه‌ای در تحولات قرن اخیر ایران نقش داشته‌اند نیز، اگرچه در بیرون از قلمرو ایران زیسته باشند، در این تقسیم‌بندی قرار می‌گیرند. نکته دیگری که دربارهٔ «دسته‌بندی ادواری رجال» معاصر ایران باید یادآور شویم، اینکه: مورخان در تقسیم دوره‌های تاریخی، معمولاً «سلسله‌های حکومتی» را معیار و مبنای تقسیم‌بندی خود قرار می‌دهند که آثار نامطلوب فراوانی در بر دارد. ما در این تقسیم‌بندی «حوادث مهم تاریخی» را مبنای معیار کار خود قرار داده‌ایم. در هر صورت رجال معاصر ایران را به لحاظ دوره‌های تاریخی می‌توان به‌گونه ذیل مورد دسته‌بندی قرار داد:

۱- «رجال دوران قبل از مشروطه»: شامل عصر نهضت تنباکو، سوابق و پی‌آمدهای آن تا قتل ناصرالدین‌شاه و...

۲- «رجال دوران مشروطه»: از آغاز علنی و عمومی شدن نهضت مشروطه‌خواهی تا کودتای انگلیسی رضاخان در سال ۱۲۹۹. رجال این دوره دارای اقسام ذیل می‌باشند:

مشروطه‌خواه، مشروعه‌خواه، مستبد، وابسته و جاسوس.

۳- «رجال دوران کودتای قزاقان»: این دوره با کودتای انگلیس توسط قزاق‌ها و به‌سرمداری رضاخان در سال ۱۲۹۹ آغاز و به‌شهریور سال ۱۳۲۰ پایان می‌پذیرد و به دوران استبداد بیست ساله نیز معروف است. در این دوران است که رجالی با ایدئولوژی و گرایش جدی اسلامی در صحنه‌های سیاسی ایران ظاهر می‌شوند، مانند: شهید سید حسن مدرس و شهید میرزا کوچک‌خان جنگلی و...

۴- «رجال دوران بی‌لباتی سیاسی و بحرانی نفتی»: این دوران از شهریور ۱۳۲۰ آغاز و به ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ پایان می‌پذیرد. در این دوران است که موضع روسیه شوروی در ایران تقویت و پایگاه انگلیس و دربار تضعیف می‌شود و نهضت نفت پدید می‌آید و برخی حرکت‌های اسلامی مسلحانه مانند جریان قداثیان اسلام شکل می‌گیرد.

۵- «رجال دوران کودتای یانکی‌ها»: این دوران با کودتای آمریکائی ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ آغاز و به ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ وصل شده و بعد از آن نیز در قالب و

شکل دیگری تا ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ ادامه یافته و در این مقطع پایان می‌پذیرد. ویژگی خاص این دوران در جایگزینی آمریکا به جای انگلیس و عقب‌نشینی سیاسی و نظامی کامل روسیه شوروی از صحنه ایران می‌باشد.

۶- «رجال عصر نهضت اسلامی»: این دوران نیز از ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ آغاز و به پیروزی ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ ختم می‌شود.

۷- «رجال عصر جمهوری اسلامی»: این دوران نیز از ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ آغاز شده و همچنان ادامه دارد. رجال این دوران ویژگی‌های خاص خود را دارند، برخی از آنان از رجال عصر نهضت اسلامی نیز به شمار می‌آیند و برخی دیگر لاحقین هستند.

هر يك از دوره‌های تاریخی یاد شده از نظر سیاسی، فرهنگی، و اجتماعی دارای ویژگی‌های خاصی هستند، از این‌رو، رجال متعلق به هر يك از آن دوره‌ها نیز ویژگی‌های جداگانه‌ای دارند و زندگینامه و کارنامه آنان باید با توجه به این ویژگی‌ها، مورد مطالعه قرار بگیرد*.

ج. تقسیم و طبقه‌بندی رجال بر پایه وابستگی‌های جریان‌ی:

با توجه به نفوذ «جریان‌های سیاسی» در شئون ایران در تاریخ معاصر، رجال را نیز می‌توان با معیار قراردادن وابستگی‌شان به هر يك از این جریان‌ها مورد طبقه‌بندی و تفکیک قرار داد، با این مبنا، رجال معاصر ایران را می‌توان بدین‌گونه طبقه‌بندی کرد:

* رجال معاصر ایران را به لحاظ ادوار تاریخی با معیار قراردادن سلسله‌های حکومتی نیز می‌توان این‌گونه تقسیم کرد:

۱- قبل از مشروطه	} ۱- رجال دوران قاجار
۲- بعد از مشروطه	
۱- دوره رضاخان	} ۲- رجال دوره پهلوی
۱- قبل از ۲۸ مرداد	
۲- ۲۸ مرداد ۳۲ تا ۱۵ خرداد ۴۲	
۳- بعد از ۱۵ خرداد	} ۳- رجال دوره انقلاب اسلامی
۱- از ۱۵ خرداد تا استقرار جمهوری اسلامی	



۱- «رجال استعماری»: وابستگان به کشورهای بیگانه و غیر مسلمان منظورند، اعم از اینکه بومی باشند و یا خارجی.

۲- «رجال درباری»

۳- «رجال اسلامی»: آنان که با اتکاء بر اسلام به عنوان یک ایدئولوژی در صحنه‌های سیاسی - اجتماعی حاضر بوده‌اند.

۴- «رجال سنتی»: آنان که با مشی میهن دوستی و اعتقاد فردی به اسلام و عدم نفی و مبارزه با نظام سیاسی سنتی رایج و حاکم (سلطنت) و با اعتقاد به لزوم قطع سلطه اجانب در صحنه‌های سیاسی و اجتماعی حضور داشته‌اند، «رجال سنتی» محسوب می‌شوند، که نمونه بارز این نوع رجال در تاریخ معاصر ما «میرزاتقی‌خان امیرکبیر» می‌باشد.

د. تقسیم رجال با محوریت اسلام:

با این مبنا رجال معاصر را می‌توان به این دسته‌ها تقسیم کرد:

۱- «رجال اسلام گرا»: معتقدین به حضور سیاسی اسلام در جامعه.

۲- «رجال اسلام ستیز»: معاندین با اسلام در تمام ابعاد.

۳- «رجال اسلام گریز»: کسانی که با اسلام و حضور سیاسی آن در جامعه دشمن نیستند، با این حال مشی جداگانه و دیگری دارند.

۴- «رجال لائیک و بدون گرایش مذهبی».

۵. «تقسیم رجال به لحاظ خدمت و خیانت اجتماعی:

رجال را از این نظر که در جامعه خود عامل و منشأ چه اثر و اصلاحی بوده و یا موجب چه افساد و خیانتی گردیده اند، می توان به سه دسته تقسیم کرد:

۱- «رجال خادم و مصلح».

۲- «رجال خائن و مفسد».

۳- «رجال خنثی» یعنی بی تفاوت، ممتنع و بدون هیچ منشأ اثری.

و. تقسیم رجال به لحاظ رتبه و درجه اهمیت:

بدیهی است که میزان تأثیر و اهمیت همه رجال یکسان نبوده است. به گمان ما، در این خصوص رجال را می توان در سه طبقه و درجه قرار داد:

۱- رجال ممتاز و درجه یک: کسانی که در گروه های یاد شده بزرگتر از دیگران بوده و غالباً بر آنها تأثیر گذاشته و یا مورد پیروی قرار گرفته اند؛ و بنابراین در ایجاد تحولات اجتماعی نقشی برجسته تر از بقیه رجال داشته اند، همچون شاهان، رؤسای جمهور، رؤسای دولتها و مجلس ها و رهبران مذهبی و سیاسی؛ همچنین شاعران، دانشمندان، نویسندگان طراز اول صاحب سبک و مبتکر و از این قبیل...

۲- رجال درجه دو: کسانی که در حد معاونین و جانشینان گروه اول نقش داشته اند و در صنف خود خیلی ممتاز و بی معارض نبوده اند؛ همچون وزراء، وکلا، سفرای عمده و نویسندگان و هنرمندان متوسط.

۳- رجال درجه سه: قشر زیرین رجال که به سطح مردم عادی نزدیکتر بوده و با اینکه صاحب تأثیر و قابل ذکرند، بیشتر تابع و پیرو دو طبقه پیشین هستند؛ مانند مدیران کل، استانداران، فرماندهان معمولی و شعرا و نویسندگان عادی و غیر مبتکر. به طور خلاصه: درجه و رتبه رجال یا عالی و ممتاز است یا متوسط و یا پائین.

بدیهی است که افراد ممتاز و درجه یک، معدودند و برعکس دارای آوازه و تأثیر بیشتر می‌باشند؛ ولی رجال درجه دو و سه، به ترتیب بیشتر و در عین حال کم تأثیرترند؛ گویی تأثیر و نقش و کیفیت، رابطه معکوسی با تعداد و کمیت دارد! لذا اولویت در شناخت و معرفی رجال ممتاز و درجه یک و سپس درجه دو می‌باشد، زیرا که اکثریت پیرو آنان هستند؛ الناس علی دین ملوکهم. در مورد این تقسیم‌بندی، تشبیه جامعه به مخروط یا هرم و توجه به تصویر ضمیمه بسیار مفید تواند بود.



يك تذکر مهم: در مورد طبقه‌بندی مذکور و غالب تعریف‌ها و تقسیم‌های گذشته، باید بر جنبه نسبیّت، و همیشگی و قطعی نبودن آنها تأکید کنیم؛ زیرا چه بسا، برای نمونه، شهرت‌ها و آوازه‌هایی که بی‌اساس و همچون کف روی آبی باشند، و نیز چه بسیار، خبرسازیه‌ها و چهره‌شدنهایی که ساختگی و ناروا باشند و به عکس، اساساً فن رجال‌شناسی بدین منظور تدوین یافته که موارد چهره‌سازی و چهره‌سوزی مصنوعی را مشخص کند. نیز در مورد گرایشهای افراد و وجوه مثبت و منفی آنها، باید وجه عمده و آن‌هم در مجموع زندگیشان، ملاک قرار گیرد. به‌رحال مراحل و شرایط گوناگون زمان و مکان و اعصار و ادوار مختلف تاریخی دارای احکام مختلفی هستند که باید مورد توجه قرار گیرد. مثلاً فردی در يك دوره از عمر خود سیاستمداری درجه يك بوده و در دوره دیگر نویسنده‌ای درجه سه، زمانی نقشی مثبت و گاهی نقش منفی داشته است. آری تاریخ و علوم انسانی، همچون علوم قطعی آزمایشگاهی، جای قرع و انبیق و اندازه‌گیریهای عددی و ترازویی نیست.

فصل سوم: شیوه پژوهش در بخش رجال و چگونگی تشکیل پرونده و آرشیو مطالب
 از آنجا که هدف اصلی از تشکیل پرونده برای رجال، فراهم آمدن اطلاعات لازم درباره آنان است تا بتوان زندگینامه مناسبی برای آنان نگاشت، لذا باید این کار را در محورهاى معین و چارچوب مشخص انجام داد. سه محور عمده‌ای که بر روی هم می‌تواند زندگینامه کاملی را تشکیل دهد، به قرار زیر است:

- ۱- سالنمای کلی زندگی و احوال و خصوصیات فردی.
- ۲- افکار و نظرات و گرایشها و وابستگی‌های فکری.
- ۳- آثار و اعمال یا عملکرد و کارنامه که نتیجه دو محور قبلی است.

بخش رجال، همین محورها را با تفصیل بیشتری، به‌خصوص درباره رجال درجه يك و دو، به این صورت مورد بررسی قرار می‌دهد:

- ۱- شناسنامه و تبارنامه: شامل نام و شهرت - لقب یا اسم مستعار - مکان و زمان - تولد و وفات - پدران و مادران - همسر و فرزندان - مشخصات ایلی یا قبیله‌ای و طبقه اجتماعی - نژاد، زبان و...
- ۲- مناصب، مشاغل، سوابق شغلی و اجتماعی.
- ۳- شخصیت علمی و فکری - تحصیلات - آثار - دیدگاهها و اساتید و شاگردان.
- ۴- کارنامه سیاسی: وابستگی‌ها، گرایشها و تزه‌ای سیاسی - تابعین یا الهام‌بخشان وی - خدمات‌ها و خیانت‌ها.

۵- ابتکارات و نوآوریها در زمینه‌های مختلف.

۶- حوادث مهم زندگی.

تذکره: دانستن مسافرت‌های خارج از کشور، زیانهای مورد آگاهی و دریافت جوایز و نشانهای مختلف، در کار تحقیق در بسیاری از محورهای فوق ضرور است؛ نیز در مورد رجال سیاسی، کارنامه سیاسی و در مورد رجال فرهنگی، کارنامه فرهنگی اهمیت بیشتری می‌یابد.

در مجموع، آنچه مهم است داشتن شناخت تحلیلی از فرد است تا بتوان او را مایه درس آموزی و عبرت قرار داد؛ و برای این کار باید تصویری هرچه کاملتر و واقعی‌تر از زوایای مختلف شخصیت مورد نظر در ابعاد زیر به وجود آورد:

۱- روانشناسی - یا تجزیه و تحلیل روحیات شخص و بیان تأثیر دیگران و عوامل تربیتی در وی.

۲- دوران‌شناسی یا محیط‌شناسی - یعنی بررسی شرایط زمانی و مکانی و تأثیر و تأثر وی از جامعه.

۳- بازتاب شخصیت - یا میزان نفوذ وی در دیگران و اقوال مخالف و موافق درباره او. بدیهی است که رجال مورد نظر چون معاصرند، باید برای جمع‌آوری مواد و اطلاعات لازم درباره آنان در درجه اول به آثار خودشان و سپس به منابع و مأخذ صحیح و دست اول همچون خاطرات و مشاهدات مصاحبان و معاشران آنها مراجعه کرد.

دیگر اینکه، اصل تدوین پرونده‌ها، خصوصاً پرونده رجال مهم و مشهوری که آثار زیادی درباره آنان وجود دارد، به جای گردآوری تفصیلی عین اطلاعات، انجام تحقیقات موضوع‌شناسی و مأخذشناسی خواهد بود و البته این کار با اظهارنظر، تذکرات و تحلیلهای پژوهنده، همراه می‌شود.

فصل چهارم: گزارش خلاصه‌ای از کارکرد بخش رجال

این بخش در طول دو سال و اندکی فعالیت و کار تحقیقی جدی خود در حدود هفت هزار نفر از رجال (زنان و مردان) ایرانی و یا غیر ایرانی مربوط به تاریخ ایران را مورد شناسائی اولیه قرار داده و برای هر یک از آنان یک پرونده علمی و پژوهشی تشکیل داده است. کمیت و محتوای این پرونده‌ها به‌طور میانگین در داخل هر پوشه (پرونده) ۳ برگ مطلب می‌باشد که دست کم شامل بیوگرافی ساده و یا دربردارنده زندگینامه تفصیلی صاحب پرونده در برخی از موارد است.

صاحبان این پرونده‌های علمی همه از رجال معاصر هستند، یعنی متعلق به یک صد سال اخیر می‌باشند (به‌جز یک هزار و اندکی که متعلق به سده قبل از آن

هستند). بدیهی است برای استخراج این مطالب منابع زیادی مورد مراجعه و مطالعه قرار گرفته است که شاید تعداد صفحات مجموع آنها از چهل هزار صفحه بیشتر باشد، که شامل کتابها، مجلات، روزنامه‌ها و غیره می‌باشد. این پرونده‌ها در بخش رجال بنیاد تاریخ، با شیوه خاصی شماره‌گذاری شده و طبقه‌بندی گردیده است که در زمانی کوتاه می‌توان به پرونده شخص موردنظر دسترسی یافت. و با این‌حال برای تممیم و تسهیل هرچه بیشتر امکان استفاده از آنها، «کد» - «شماره» - هر یک از آنها به سیستم کامپیوتری بنیاد تاریخ نیز داده شده است که هر مراجعه‌کننده‌ای را از وجود چنین پرونده‌ای در بخش رجال، آگاه می‌کند. این پرونده‌ها هم منبعی برای تدوین تاریخ معاصر به حساب می‌آید و هم مواد لازم برای نگارش یک دائرةالمعارف شرح حال رجال معاصر به نام «فرهنگ رجال معاصر» می‌باشد.

کار علمی دیگری که در بخش رجال بنیاد تاریخ صورت گرفته، پژوهش برای تدوین یک دسته اصول، قواعد و ضوابط برای شناسائی و شرح حال نویسی علمی رجال و جرح و تعدیل علمی و انضباطی آنان است که شرح حال نویسی را از حوزه سلطه سلیقه‌ها بیرون بیاورد و در حوزه قضاوت علمی و منطقی قرار بدهد. قسمت اعظم کارهای تحقیقاتی این موضوع نیز به پایان رسیده و برخی از مقالات ابتدائی آن در فصلنامه به‌طور منظم به چاپ رسیده و بقیه نیز آماده چاپ می‌باشد که به امید حصول توفیق برای تکمیل و به پایان رساندن کارهای مربوط به آن می‌باشیم.

□ ابوالفضل شکوری

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی